

تجزیه و تحلیل دو گفتمان متعارض اروپا و آمریکا در قبال برجام

رحمت حاجی مینه^{*۱}

اکرم صالحی^۲

چکیده

فعالیت‌های هسته‌ای ایران یکی از مهم‌ترین موضوع‌هایی بوده که از سال ۱۳۸۱ و اعلام رسمی جمهوری اسلامی ایران به دستیابی به فن آوری هسته‌ای ای بر روابط این کشور با آمریکا و اتحادیه اروپا سایه افکنده و علاوه بر مناسبات سیاسی، جنبه‌های دیگر روابط بین آن‌ها را هم تحت الشعاع قرار داده است. به دنبال گفتگوهای چندجانبه ایران با شش قدرت بزرگ، سرانجام برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) با توافق نهایی وزرای امور خارجه ۱+۵ و وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۲۳ تیرماه ۱۳۹۴ (۱۴ جولای ۲۰۱۵) به امضا رسید و پس از دو سال مذاکره، توافقی بلند مدت بین ایران و کشورهای ۱+۵ در خصوص فعالیت‌های هسته‌ای ایران و لغو تحریم‌های ایران حاصل شد. تنها پس از شش روز، در تاریخ ۲۹ تیرماه ۱۳۹۴ (۲۰ جولای ۲۰۱۵) قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت به تصویب رسید که بر اساس آن، تحریم‌های قبلی شورای امنیت لغو شده و کشورهای امضا کننده برجام، موظف به اجرای کامل تعهدات مندرج در آن شدند. اما طولی نکشید که ریاست جمهوری جدید آمریکا دونالد ترامپ علی‌رغم پایبندی اروپائیان به برجام ناسازگاری خود با توافق چند جانبه بین‌المللی هسته‌ای ایران را آشکار ساخت. پرسش کلیدی در این پژوهش آن است که گفتمان‌های اروپا و آمریکا در قبال برجام چگونه است؟ در این راستا فرضیه اصلی پژوهش چنین است که گفتمان اروپا در قبال برجام مبنی بر حمایت از آن و در نتیجه حفظ شکل اصلی‌اش است در حالی که گفتمان آمریکایی ترامپ مبنی بر مخالفت با آن و در نتیجه تغییر و لغو می‌باشد. بر همین اساس، هدف اصلی این تحقیق فهم این رابطه در پرتوی تحلیل گفتمان اروپا و آمریکا در قبال برجام بعد از روی کار آمدن دونالد ترامپ است. از این رو روش پژوهش در این نوشتار تلفیقی از تحلیل گفتمانی و شیوه توصیف و تبیین اطلاعات خواهد بود.

واژگان کلیدی: برجام، گفتمان، جمهوری اسلامی ایران، اتحادیه اروپا، ایالات متحده آمریکا، دونالد ترامپ

۱. استادیار روابط بین‌الملل، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، (نویسنده مسئول)

* r.hajimineh@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، گروه روابط بین‌الملل، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران

akramsalehi61@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۶/۶

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره هشتم، شماره پیاپی بیست و هفتم، صص ۲۴۴-۲۱۵

مقدمه

برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) با توافق نهایی وزرای امور خارجه ۱+۵ و وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۲۳ تیرماه ۱۳۹۴ (۱۴ جولای ۲۰۱۵) به امضا رسید. به منظور تحکیم پایه‌های عملی و ضمانت اجرایی این توافق، شورای امنیت سازمان ملل متحد طی جلسه ۷۴۸۸ خود قطعنامه ۲۲۳۱ را در تاریخ ۲۹ تیرماه ۱۳۹۴ (۲۰ جولای ۲۰۱۵) به تصویب رساند و از کشورهای امضاکننده برجام، خواست تا در اجرای تعهدات خود، کوشا باشند و در نتیجه آن کلیه قطعنامه‌های بین‌المللی قبلی علیه ایران لغو گردید.

از این رو در نتیجه برجام که ماحصل سال‌ها مذاکره میان ایران با قدرت‌های جهانی (ایالت متحده، انگلستان، فرانسه، روسیه، چین و آلمان) بود، فصل نوینی در روابط ایران با این کشورها بعد از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ گشوده شد که توان تأثیرگذاری بر مناسبات اقتصادی، سیاسی و امنیتی هر دو طرف را افزایش داده و موجب توسعه روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با این کشورها شده است. به عبارت دیگر توافق ژنو نقطه عطفی در صحنه سیاست خارجی ایران به طور عام و در مورد مناقشه بر سر برنامه هسته‌ای ایران به طور خاص بوده است. این توافق اندکی پس از روی کار آمدن دولت روحانی، فضای بین‌المللی درقبال ایران را تغییر داده و عزم سیاسی دولت جدید برای تعامل فزاینده با دنیا را در مصداقی ملی به تصویر کشیده است هر چند این توافق اولیه فارغ از کاستی‌ها نیست، اما تأثیرات مثبت آن در عرصه داخلی و خارجی بسیار قابل ملاحظه است.

با این حال، مسیر همکاری کشورهای امضاکننده برجام از همان آغاز، مسیری سهل و هموار نبود. با توجه به این که اتحادیه اروپا در روابط خود با ایران حسن نیت نشان داده، این توافق می‌تواند مثبت ارزیابی گردد. اما از طرفی بدعهدی‌ها مبتنی بر عدم حسن نیت از سوی آمریکا در ماه‌های پس از اجرایی شدن برجام، به دفعات مورد اعتراض مقامات ایرانی قرار گرفت. جمهوری اسلامی ایران در ماه‌های منتهی به پایان دوره ریاست جمهوری اوباما، با انجام مذاکرات متعدد، تلاش نمود تا طرف‌های غربی متعاقد برجام را نسبت به برخی اقدامات و تصمیمات طرف آمریکایی که به نوعی در تعارض

با حسن نیت در اجرای تعهدات بین‌المللی برجام بود، آگاه سازد. اقداماتی نظیر تمدید ۱۰ ساله قانون تحریم‌های ضد ایرانی توسط مجلس نمایندگان آمریکا و مصوبه مجلس نمایندگان آمریکا در تاریخ هشتم دسامبر ۲۰۱۵ (۱۷ آذر ۱۳۹۴) مبنی بر اعمال محدودیت‌های جدید برای ورود به آمریکا توسط شهروندان کشورهای ثالثی که به ایران رفت و آمد دارند، بخشی از اقداماتی بودند که دولت آمریکا پس از امضای برجام انجام داد که سختی با حسن نیت در اجرای این توافق بین‌المللی نداشته و مورد شکایت جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت.

۲۱۷



تجزیه و تحلیل
دوگفتمان
متعارض اروپا و
آمریکا در قبال
برجام

جابجایی باراک اوباما با دونالد ترامپ، موضوع را وارد مرحله جدیدی نمود. با تغییر تیم کاخ سفید، دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا در ادامه انتقادات دوران مبارزات انتخاباتی خود، تلاش زیادی کرد تا اعتبار بین‌المللی برجام را زیر سؤال ببرد. او با اعمال محدودیت‌ها و تحریم‌های متناقض با برجام، تلاش کرده است تا روح برجام را از درون تهی نموده و همچنین کوشید تا جایگاه یک توافق بین‌المللی چند جانبه ای که با قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت نیز ضمانت اجرای بین‌المللی یافته است را تا مرحله یک تعهد دو جانبه بین ایران و آمریکا، کاهش داده و نهایتاً بتواند فسخ یا اصلاح یک طرفه این تعهد دو جانبه را اعلام نماید. این رویکرد غیر اصولی و غیر حرفه ای ترامپ بلافاصله با مخالفت شدید و صریح اتحادیه اروپا و سه کشور روسیه، فرانسه و انگلیس و حتی تیم سیاسی وزارت خارجه آمریکا قرار گرفت بطوریکه برای ترامپ چاره ای جز عقب نشینی از موضع خود مبنی بر فسخ یکطرفه برجام باقی نماند، اما تکرار اقدامات ناقض هدف و روح برجام، کماکان در دستور کار تیم جدید کاخ سفید قرار دارد.

از این رو سؤال اصلی که مطرح می‌شود این است که گفتمان‌های اروپا و آمریکا در قبال برجام چگونه است؟ در پاسخ فرضیه ای‌ای که مطرح می‌شود بدین گونه است که گفتمان اروپا در قبال برجام مبنی بر حمایت از آن و در نتیجه حفظ شکل اصلی‌اش است در حالی که گفتمان آمریکایی ترامپ مبنی بر مخالفت با آن و در نتیجه تغییر و لغو می‌باشد.

هدف اصلی این تحقیق فهم این رابطه در پرتوی تحلیل گفتمان اروپا و آمریکا در قبال برجام بعد از روی کار آمدن دونالد ترامپ است. چنان که شاهد بوده‌ایم جمهوری اسلامی ایران هیچگاه روابطی یک دست و با ثبات با آمریکا نداشته است.

از این رو روش پژوهش در این نوشتار تلفیقی از تحلیل گفتمانی و شیوه توصیف و تبیین اطلاعات خواهد بود. فهم عناصر شناختی مؤثر بر رفتارها از طریق تحلیل گفتمانی میسر می‌باشد و درک تاثیرات عینی این عناصر انتزاعی بر جهان عینی، بدون درک درست واقعیات بیرونی امکان پذیر نیست. بنابراین توصیف و تبیین واقعیات مادی در روابط اتحادیه اروپا، ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران مکملی برای تحلیل گفتمان حاکم خواهد بود.

محدوده زمانی مورد بحث در نوشتار حاضر دوران ریاست جمهوری حسن روحانی و دونالد ترامپ است. همچنین تاکید بر اتحادیه اروپا مشتمل بر ۲۸ عضو، ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران، محدوده مکانی پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهند.

دیدگاه‌های نظری گفتمان

تحلیل دیدگاه‌ها و نظرات در ارتباط با بحث تعارض بین گفتمان‌های آمریکا و اتحادیه اروپا در دوران ریاست جمهوری حسن روحانی و دونالد ترامپ، ریشه در مباحثی چون گفتمان، پرونده هسته‌ای ایران، برجام و در نهایت تعارض بین دو دیدگاه آمریکا و اروپا دارد.

به‌طور کلی اغلب وقتی حرف از گفتمان می‌شود، یاد متن یا سخنرانی می‌افتیم اما گفتمان، هر سیستم سازمان‌دهی شده از معناست: در حقیقت سیستم‌های معنادار در جوامع بشری را گویند (احمد رش، ۱۳۸۸: ۱). گفتمان مجموعه‌ای از نشانه‌هاست و مفصل‌بندی نیز فرآیندی است که به‌واسطه آن نشانه‌ها با هم جوش می‌خورند (هوراث، ۱۳۷۷: ۱۶۳). به عبارتی مفصل‌بندی نقش مهمی در نظریه گفتمان دارد. عناصر متفاوتی که شاید جدا از هم بی‌مفهوم باشند، هنگامی که در قالب گفتمان جمع می‌شوند هویت جدیدی به دست می‌آورند. لاکلاو و موفه برای ربط دادن این عناصر به یکدیگر از مفهوم مفصل‌بندی استفاده می‌کنند. مفصل‌بندی به گردآوری عناصر گوناگون و ترکیب

آن‌ها در هویتی نو می‌پردازد (Howarth, 2000: 121). هژمونی یک گفتمان مبتنی بر انسجام معنایی دال‌های دیگر حول دال مرکزی است. در صورتی که یک گفتمان موفق می‌شود با اتکا بر دال مرکزی خود مدلول‌های مد نظر خود را به دال‌های گفتمانش نزدیک کند یا به عبارت دیگر، نظام معنایی مطلوب خویش را در ذهنیت جمعی اجتماع، هرچند به طور موقت، تثبیت کند و رضایت عمومی را جلب کند، آن گفتمان هژمونیک می‌شود.

در این میان دال مرکزی نشانه ممتازی است که نشانه‌های دیگر حول آن انسجام می‌یابند. این دال، دال‌های دیگر را شارژ می‌کند و آن‌ها را در قلمرو جاذبه معنایی خود نگه می‌دارد. لاکلاو و موفه دال‌های دیگری را که حول دال مرکزی گرد می‌آیند "وقته" می‌نامند. یک وقته تا پیش از مفصل‌بندی شدن در گفتمان در حوزه گفتمان‌گونگی قرار دارد و عنصر نامیده می‌شود. از یک وقته یا دال مرکزی تحت عنوان "دال شناور" یاد می‌شود؛ دال شناور دالی است که در حقیقت مدلول آن شناور است و گروه‌های مختلف سیاسی برای انتساب مدلول به آن، با هم رقابت می‌کنند (Barret, 1991: 54).

در نظریه گفتمان سعی می‌شود با تلاش برای فهم تمام معانی و زوایای الگوهای هویتی، هر مؤلفه و عنصری در چارچوب گسترده‌تر هویتی که به آن معنا بخشیده است، مورد توجه قرار گیرد (اشرف نظری، ۱۳۸۷: ۳۱).

از این رو نظریه گفتمان لاکلاو و موفه که مهم‌ترین نظریه گفتمانی در حوزه علوم سیاسی تلقی می‌شود کاربرد مناسبی یافته است. آنان نظریه گفتمان را در حوزه فلسفه سیاسی و علوم بسط داده و کارآمدتر ساختند (laclau & mouffc, 1985: 109). به نظر ایشان هر چیز و فعالیتی برای معنادار شدن باید بخشی از یک گفتمان خاص تلقی شود.

بدین ترتیب اولین قدم برای تحلیل سیاسی در چارچوب این نظریه، شناسایی حداقل دو گفتمان متخاصم است که با هم رابطه‌ای غیریت سازانه برقرار کرده‌اند. گفتمان‌ها همواره به واسطه دشمن هویت پیدا می‌کنند و نظام معنایی خود را بر اساس آن تنظیم می‌کنند. بنابراین برای بررسی ساختار نظام معنایی یک گفتمان باید آن را در مقابل

ساختار نظام معنایی گفتمان رقیبش قرار داد و نقاط درگیری و تفاوت‌های معنایی را پیدا کرد (سلطانی، ۱۳۸۳: ۱۶۱-۱۶۰).

به عبارت دیگر گفتمان سیاسی فراهم آورنده نوعی چارچوب و بستری است که در حریم آن، سیاست خارجی یک کشور، مأوی گزیده و معنا می‌یابد (تاجیک، ۱۳۸۳: ۱۳). در حقیقت سیاست خارجی عبارت است از راهبردهایی که تیم تصمیم‌گیرندگان حکومتی طرح ریزی می‌کنند تا در چارچوب منافع ملی و در محیط بین‌المللی به اهدافی معین دست یابند (plano, 1988: 6). بر این اساس چارچوب معنایی که سیاست خارجی در آن شکل می‌گیرد، تکوین آن از راه زبان ممکن است (Larsen, 1997: 125).

به این ترتیب، گفتمان نقش مؤثری در روندهای سیاست کشورها دارا می‌باشد. واحدهایی که از قالب گفتمانی مشخص برخوردار باشند تلاش خواهند داشت تا اهداف استراتژیک خود را از طریق دیپلماسی، به کارگیری ابزار قدرت و چانه‌زنی تأمین نمایند، این امر بیانگر آن است که دیپلماسی می‌تواند محور سیاست کشورها محسوب شود و از طریق شکل‌بندی و قواعد گفتمانی عرضه گردد. قواعد گفتمانی بر اساس پارادایم خاصی شکل می‌گیرد. هر پارادایم جهت‌گیری کلان سیاست خارجی را به نمایش می‌گذارد (پوستین‌چی، ۱۳۸۳: ۲۵-۲۴).

از سوی دیگر تحلیل گفتمان یک روش کیفی است که توسط سازندگان آن توسعه و به کار گرفته شده است. لاک گفتمان را به عنوان یک روش نه تنها به نمایندگی از جهان، بلکه معنی بخشیدن به جهان، تشکیل و ساخت جهان در معنا توصیف می‌کند. تحلیل گفتمان می‌تواند به عنوان راهی برای رویکرد و تفکر در مورد یک مشکل توصیف شود. تفسیر ناشی از عمل خواندن یا تحلیل است که معنای یک متن را ایجاد می‌کند.

لاک استدلال می‌کند که گفتمان یک روش منسجم برای ایجاد فهم جهان است همانطور که در سیستم نشانه انسانی از جمله زبان کلامی منعکس شده است. او بیشتر گفتمان را به عنوان یک مفهوم توصیف می‌کند که در ارتباط فعالانه با واقعیت است. زبان بر واقعیت دلالت دارد به این معنا که گفتمان در یک رابطه منفعل با واقعیت است.

محاوره و گفتگو با افرادی که در زمینه سیاست‌های آموزش و یادگیری مشغول به کار هستند می‌تواند در باره واقعیت این وضعیت باشد. از آنجا که زبان یک ابزار اجتماعی و فرهنگی است، درک ما از واقعیت از لحاظ اجتماعی و فرهنگی ساخته شده است (Mogashoa, 2014: 106).

بنابراین گفتمان‌ها مبنایی را به وجود می‌آورند که طی آن اولویت‌های سیاسی، منافع و هدف‌ها ساخته می‌شوند؛ یعنی سیاست از دیدگاه تصمیم‌گیرندگان با بازسازی استدلال‌های آن‌ها ایجاد می‌شود؛ بدین ترتیب رفتار دولت‌ها به این بستگی دارد که افراد چگونه وضعیت را با قدرت درک و یا تحلیل می‌کنند. تئوری گفتمان در بر دارنده دوگانه‌انگاری، تکوین، فروپاشی و شالوده‌شکنی است و زمینه را برای درک وضعیت هژمونی و هم‌چنین فروپاشی آن فراهم می‌کند (آقاسینی، ۱۳۸۶: ۱۱۶).

۲۲۱

پژوهش‌های
روابط بین‌الملل

تجزیه و تحلیل
دو گفتمان
متعارض اروپا و
آمریکا در قبال
برجام

پیشینه تاریخی روابط ایران با اروپا و آمریکا

روابط ایران با اروپا و آمریکا پس از انقلاب ۱۳۵۷ ه. ش. (۱۹۷۹ م.) را نمی‌توان بدون در نظر گرفتن سابقه تاریخی آن درک کرد. با پیروزی انقلاب اسلامی، روابط ایران و کشورهای اروپایی و آمریکا دستخوش تحولات عمده‌ای گردید و نهایتاً رو به تیرگی نهاد (سنایی، ۱۳۸۲: ۵۷). برخی از ناظران معتقد بودند اروپای غربی برخلاف دو ابرقدرت می‌تواند روابط بهتری با تهران داشته باشد (Halliday, 1994: 309). در سال‌های اول انقلاب، ترس عمومی از اثرات بی‌ثبات‌کننده انقلاب ایران، نگرانی از تسلط شوروی بر ایران، تسری تنش‌های ایران و آمریکا و سیاست‌های داخلی اروپای غربی روابط ایران و کشورهای اروپای غربی را تحت تأثیر قرار داد (Hunter, 1991: 142). به دنبال واقعه گروگان‌گیری در ایران، آمریکا خواستار مشارکت کشورهای اروپایی در تدابیر تنبیهی اقتصادی و مالی ایران از سوی کشورهای اروپایی شد. اما متحدان اروپایی آمریکا بیشتر حمایت سیاسی و دیپلماتیک نمودند، چرا که ارزش معاملات اقتصادی کشورهای اروپایی در ایران چشمگیر بود (علیخانی، ۱۳۸۰: ۸۹).

طی جنگ ایران و عراق کشورهای اروپایی ضمن شرکت در تحریم تسلیحاتی ایران، اقداماتی جهت خاتمه جنگ به عمل آوردند. پذیرش قطعنامه ۵۹۸، فرصت مناسبی برای

بهبود و توسعه روابط سیاسی ایران و اتحادیه اروپا فراهم نمود. اما صدور فتوای قتل سلمان رشدی به وسیله امام خمینی، واکنش و موضع‌گیری تند جامعه اروپایی را به دنبال داشت و به کاهش سطح روابط سیاسی و اقتصادی با ایران منجر شد (رحمانی و تائب، ۱۳۷۵: ۵).

با اعلام سیاست مهار دوجانبه کلinton، آمریکا خواستار هماهنگی اروپا در مهار ایران شد، در حالیکه برخلاف آمریکا، اروپا نمی‌خواست ایران را منزوی سازد. در دوران ریاست‌جمهوری هاشمی، تلاش‌های زیادی جهت تأمین همگرایی مجدد ایران با جامعه بین‌المللی در پیش گرفته شد. در این راستا، ایران امیدوار بود بعد از سال ۱۹۹۲ اتحادیه اروپا در موقعیتی قرار بگیرد که وزنه برابری را در مقابل ایالات متحده ایجاد نماید (Ehteshami, 1995: 164).

اما از تیرماه ۱۳۷۵، روابط ایران و اتحادیه اروپا به شدت تحت تأثیر جنجال دادگاه میکونوس قرار گرفت. صدور حکم دادگاه میکونوس ضربه‌ای اساسی به روابط طرفین وارد نمود. اما با انتخاب محمد خاتمی و اعلام سیاست تنش‌زدایی در روابط خارجی به تدریج یخ‌های روابط ایران با اروپا ذوب شد (سنایی، ۱۳۸۲: ۶۱). با توجه به تغییر چهره ایران در بعد بین‌المللی، سیاست تنش‌زدایی در روابط خارجی به ویژه در قبال غرب و گسترش روابط فرامنطقه‌ای در دستور کار قرار گرفت و گفتگوی سازنده در روابط با اروپا، جایگزین گفتگوی انتقادی گردید (دهشیری، ۱۳۸۰: ۳۸۷-۳۸۶). سفرای اتحادیه به ایران بازگشتند و اتحادیه گفتگوی جامع و فراگیر با ایران را در پیش گرفت.

به طور کلی عمده مسائل میان ایران و اتحادیه اروپا در سالهای اخیر متأثر از تحولات نظام بین‌الملل در محورهای مبارزه با تروریسم و مقوله فعالیت‌های هسته‌ای ایران بود. مقامات اتحادیه اروپا در ۳۰ جولای ۲۰۰۲ عنوان کردند که اتحادیه اروپا در صدد است که گفتگوهای تجاری با ایران را بر پیوستن ایران به پروتکل الحاقی و همچنین موضوعاتی دیگر از قبیل حقوق بشر و صلح خاورمیانه و تسلیحات کشتار جمعی منوط کند (EU Presidency, 2009: 28 Jun). آن‌ها معتقد بودند که ایران به میثاق‌نامه‌ها و کنوانسیون‌های حقوق بشری احترام نمی‌گذارد (کتاب اروپا (۲)، ۱۳۸۲:

۷۸). فلذا اتحادیه اروپا قطعنامه‌های مختلفی در خصوص نقض حقوق بشر در ایران صادر نمود (گلشن‌پژوه، ۱۳۹۰: ۶۱).

به دنبال واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، حساسیت، مواضع و رفتار اروپائی‌ها نسبت به برنامه هسته‌ای ایران شدت گرفت. یکی از علل اصلی حساسیت ویژه اروپا، اقدام‌ها و تحریک‌های آمریکا بود. اروپا از یکسو خواهان سختگیری یا فشار متوازن بود تا با امضا و اجرای پروتکل الحاقی و شفاف شدن پرونده هسته‌ای، ایران به نظارت بیشتر تن دهد و از سوی دیگر، نمی‌خواست پرونده ایران به شورای امنیت سازمان ملل فرستاده شود، زیرا به باور اروپا خروج پرونده از آژانس، به منزله بیرون رفتن موضوع از مدیریت اروپایی و آغاز عملکرد یکنجانبه آمریکا برای کامل کردن پروژه خاورمیانه یکپارچه بود (خالوزاده، ۱۳۹۱: ۵۳-۵۴).

از این رو کشورهای غربی بیش از آنکه در پی تنش‌زدایی و هم‌زیستی باشند در صدد تسلیم و تمکین ایران بودند. این نتیجه‌گیری باعث شد ایران سیاست تقابلی در برابر غرب در پیش بگیرد. و نهایتاً آمریکا حمایت اروپا را در پرونده هسته‌ای ایران را به دست آورده و در کنار تحریم‌های مختلف ایران، پرونده هسته‌ای ایران را به شورای امنیت ارجاع و قطعنامه‌های مختلف علیه کشور را به تصویب رساند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۵۲۱-۵۲۰). با روی کار آمدن دولت نهم در ایران، فضای روابط با اتحادیه اروپا بسیار سرد و سنگین شد. به غیر از پرونده هسته‌ای که مهم‌ترین و حساس‌ترین محور اختلاف طرفین بود، مسایلی چون هولوکاست و اظهارات احمدی‌نژاد در این رابطه به این فضای سخت دامن زد. تغییر نوع و فضای گفتگو با کشورهای گروه ۵+۱ بر این شرایط دشوار تأثیر منفی گذاشت، تا جایی که در موضوع هسته‌ای ایران تقریباً بالاترین حد همگرایی و اتفاق نظر بین اعضای اتحادیه مشاهده شد (خالوزاده و افضلی، ۱۳۹۰: ۱۷).

در این دوران روابط سیاسی و اقتصادی ایران و اروپا به نحو بارزی کاهش یافت. تبادل هیئت‌ها و رفت و آمدهای دیپلماتیک در حداقل خود قرار گرفت و تحریم‌های مختلفی توسط اروپا علیه ایران اعمال شد.

تیرگی روابط ایران و اروپا تا آخرین روزهای دولت دهم به همان صورت ادامه داشت. با روی کار آمدن دولت روحانی و طرح شعار تعامل با دنیا و حل بحران موضوع هسته‌ای ایران با غرب و مذاکرات ۵+۱ نهایتاً توافق بین ایران و ۵+۱ در مردادماه ۱۳۹۴ حاصل گردید و دوره جدیدی در روابط دو طرف شکل گرفت.

از سوی دیگر، تاریخ روابط ایران و آمریکا، نیز همانند اروپا آکنده از مسائل پراهمیت و فراز و نشیب‌هایی بوده است که در مناسبت‌ها و زمان‌های مختلف اتفاق افتاده و در نهایت به قطع روابط سیاسی این دو کشور انجامیده است. عدم تفاهم و فاصله موجود میان این دو کشور چندان زیاد است که می‌توان از آن به راهی ناهموار و یا دیواری بلند تعبیر کرد (صالحی، ۱۳۸۹: ۵). در پرونده روابط ایران و آمریکا، درگذر تاریخ از دخالت مستقیم و اتحاد گرفته تا قطع رابطه و دشمنی به چشم می‌خورد.

آغاز برقراری رابطه ایران و آمریکا به قرن نوزدهم زمانیکه عهدنامه دوستی و تجاری مابین دو کشور منعقد شد، باز می‌گردد. اما قبل از آن یعنی سال ۱۸۳۲ هیأت‌های مذهبی آمریکایی وارد ایران شدند. در سال ۱۸۸۳ میلادی، دو کشور به تأسیس سفارتخانه‌های خود اقدام نمودند. این روابط تا پس از جنگ جهانی دوم صرفاً یک رابطه فرعی و حاشیه‌ای و بیشتر در قالب تجاری بود. اما بعد از جنگ جهانی دوم آمریکا در ایران حضور جدی‌تری پیدا کرد. در طی حکومت محمدرضا شاه و حاکمیت رژیم پهلوی در ایران، رابطه بسیار نزدیکی بین ایران و آمریکا برقرار بود (رمضانی، ۱۳۸۳: ۶۸).

شواهد نشان می‌دهد که تا سال ۱۳۳۲ و کودتای ۲۸ مرداد، ایرانیان کماکان نظر مساعدی نسبت به آمریکا داشتند و حضور این کشور را به فال نیک می‌گرفتند. اما کودتای ۲۸ مرداد، گفتمان‌های سیاست‌خارجی را تحت تأثیر قرار داد و ایران در روند "گفتمان‌های ائتلاف‌گرا" در سیاست‌خارجی قرار گرفت. طبیعی است که رویکرد و جهت‌گیری سیاست‌خارجی ایران در این دوران با تغییرات مشهودی روبه‌رو شد. همچنین با وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ در ایران به رهبری آیت‌الله خمینی، روابط دو کشور وارد مرحله جدیدی شد. گفتمان جمهوری اسلامی ایران، در اوایل انقلاب اسلامی بر پایه شعار "نه شرقی، نه غربی" که دال مرکزی گفتمان دولتمردان انقلابی را شکل می‌داد، وارد فاز جدیدی شد که مفهوم و محتوای آن بر پایه استقلال و

خارج شدن از سلطه بیگانگان و مبارزه با استعمارگران بود. از این رو در مدت سی و هشت سال گذشته، روابط ایالات متحده و جمهوری اسلامی ایران در پیچ و خم‌های اختلافات به ارث مانده از گذشته، قفل شده بود.

با وقوع انقلاب اسلامی و فروپاشی گفتمان پهلوی‌گرایی، انقلابیون با فضایی روبه‌رو شدند که برای تعیین اهداف خود مطابق با هویتشان، غیری به نام رژیم پهلوی نداشتند، بنابراین پس از پیروزی انقلاب اسلامی فضاهای گفتمانی گوناگونی آغاز شد (آقاحسینی، ۱۳۸۷: ۱۳۰). از این جهت شاید بتوان گفت یکی از پیچیده‌ترین روابط در صحنه دیپلماسی جهانی رابطه ایران با ایالات متحده آمریکا پس از انقلاب اسلامی است که دچار فراز و نشیب‌های زیادی شده بود (کریمی‌جونی، ۱۳۶۰: ۱).

به دنبال انقلاب سال ۱۳۵۷، ایران از یک متحد وفادار به یکی از آشتی‌ناپذیرترین مخالفان ایالات متحده در منطقه و فراسوی آن، مبدل شد. از نظر برخی مقامات و کارشناسان ایالات متحده آمریکا، پیروزی انقلاب اسلامی در ایران از ابتدا یک تهدید تلقی گردید، از نظر آن‌ها، پیروزی انقلاب اسلامی نه تنها به معنای از دست رفتن موقعیت و جایگاه منحصر به فرد آمریکا در ایران بود، بلکه می‌توانست نقطه آغاز تهدید و به چالش کشیدن منافع واشنگتن در کل منطقه خلیج فارس و خاورمیانه باشد.

وقوع برخی بحران‌ها در روابط دو کشور در سال‌های اولیه پیروزی انقلاب از جمله اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری دیپلمات‌های آمریکایی به تقویت این دیدگاه در آمریکا منجر گشت که معتقد بود به دلیل نوپا و غیرمغرب بودن حکومت نوبنیاد ایران، این امکان وجود دارد که از طریق تمهید تدابیر عملی مختلف به سقوط آن کمک کرد. در دوره مورد بحث این دیدگاه در برخی موارد به سیاست اصلی دولت آمریکا در قبال ایران تبدیل شد به نحوی که برخی تلاش‌ها از سوی واشنگتن برای تضعیف و در نهایت سقوط نظام حاکم بر ایران مشاهده می‌شود (Brzezinski, 2004: 97).

از جمله این تلاش‌ها حمله به طبرس به قصد نجات گروگان‌ها بود این عملیات باعث آبروریزی برای دولت آمریکا شد. در ایران، مردم به تظاهرات علیه آمریکا برخاستند (بیل، ۱۳۷۱: ۴۸۲). همچنین حمایت‌های اطلاعاتی و نظامی آمریکا به عراق

در تجاوز علیه ایران نمونه دیگر از تلاش‌های آمریکا برای براندازی نظام نوپای جمهوری اسلامی بود (واعظی، ۱۳۷۹: ۱۰۸).

با آغاز دوره ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی دولت جدید در ایران به تدریج به سمت اتخاذ برخی سیاست‌های عملگرایانه روی آورد. همین امر سبب شد تا برخی تحلیل‌گران غربی استدلال کنند که ایران در حال گذار از شرایط محض انقلابی و حرکت به سمت واقع‌گرایی در عرصه نظام بین‌الملل است. گفتمان جدید، الگوی توسعه را سرلوحه کار خود قرار داد (تاجیک، ۱۳۸۳: ۷۱). با توجه به این امر، آقای هاشمی رفسنجانی در مفصل‌بندی گفتمان خود به هژمونیک کردن نشانه‌هایی چون توسعه، امنیت، الگوی موفق، وحدت و تعدیل پرداخت. از دیدگاه تحلیل گفتمان، جمهوری اسلامی ایران در این دوران برای تعریف جایگاه خود در جهان و مشخص کردن اهداف و منافع ملی‌اش به انسجام درونی و هویتی مفصل‌بندی شده، نیاز داشت. به این ترتیب، یکی از ابزارهای گفتمان‌سازی می‌توانست با آن حدود و قلمرو گفتمانی مناسبی ایجاد کند، رسیدگی به زیرساخت‌های اقتصادی بود (herzig, 2004: 510). با این حال مشکلات این کشور با ایالات متحده آمریکا، همچنان پابرجا باقی ماند.

از این مقطع زمانی به بعد، ایران به گونه‌ای در مقابل آمریکا چالش ایجاد کرد که گویی یک قطب جدید جهانی است. وقتی که الگوی ایدئولوژیک جمهوری را ارائه داد، وقتی سیاست "نه شرقی و نه غربی" را مطرح کرد، وقتی سیاست صدور گفتمان انقلاب را مورد تأکید قرار داد، تمام سخنان این بود که نظم موجود جهانی را نمی‌پذیرد و برای ساختار جهانی ارزش و جایگاه چندانی قائل نیست (متقی، ۱۳۷۸: ۳).

بدیهی است که ریشه بیشتر اختلافات امروز بین دو کشور نیز از همین ذهنیت تاریخی و روانی سرچشمه می‌گیرد و این موضوع برای دولت و ملت هر دو طرف به یک تابو و طلسم تاریخی مبدل شده است که نه تنها هشت سال دیپلماسی آقای خاتمی نیز نتوانست آن را بشکند و به کناری بگذارد بلکه در دوره ریاست جمهوری احمدی نژاد روابط دو کشور تیره تر هم شد (صالحی، ۱۳۸۹: ۱۵۸). همچنین مقامات مختلف ایالات متحده آمریکا طی سال‌های گذشته همواره ایران را به حمایت از تروریسم و گروه‌های تروریستی متهم کرده‌اند (خبیری، ۱۳۸۳: ۲۴).

یکی دیگر از موارد اتهامی آمریکا علیه ایران نقض حقوق بشر در ایران است که علاوه بر این دامنه تبعیض تفاوت‌های مذهبی را نیز شامل می‌شود و گروه‌هایی مانند بهائی‌ها، اهل حق، صائبین و مسیحیان انجیلی را نیز در بر می‌گیرد (توکلی دخرآباد، ۱۳۸۶، ۷۹-۸۱). نهایتاً با روی کار آمدن دولت روحانی و توافق بین ایران و ۵+۱ امید بر این می‌رفت که این اختلافات حل شود. روحانی و وزیر امور خارجه جدید او، جواد ظریف، مشتاقانه دنبال دیپلماسی هسته‌ای بودند (Perkovich, 2017: 3).

گفتمان اروپایی حفظ برجام

از بدو پیروزی انقلاب، دولت‌های مختلف در ایران بر اساس گفتمان‌های واقع بینانه و آرمان‌گرایانه جهت‌گیری سیاست خارجی خود را با اتحادیه اروپا تنظیم کرده‌اند. این درحالی است که ایران به لحاظ موقعیت ژئوپلیتیک از موقعیت منحصر به فرد بین‌المللی برخوردار است که سبب شده ایران همواره در کانون توجه قدرت‌های بزرگ قرار گیرد. از این رو اتحادیه اروپا برای ایفای نقش فعال در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه خواهان گفتمان توسعه روابط با ایران بوده است.

بنابراین جمهوری اسلامی ایران در دوره تازه سیاست خارجی در چارچوب گفتمان اعتدال و سیاست تعامل سازنده تلاش کرد در کنار خروج از تنگناهای منطقه ای و بین‌المللی و دوری از تنش و چالش، مناسبات خارجی را به شکلی متوازن با اتحادیه اروپا و سایر کشورها افزایش دهد (قائم پناه و دشتی ورمزانی، ۱۳۹۵: ۱۲۸-۱۳۷). در این میان برجام بستر مناسبی را برای همکاری‌های بیشتر و دوطرفه میان اعضای اتحادیه اروپا و ایران فراهم ساخت. در واقع با تشدید بحران در خاورمیانه و احتمال تسری این بحران در تمام ابعاد آن به اتحادیه اروپا، انگیزه اعضای این اتحادیه به ویژه قدرت‌های بزرگ واقع در این مجموعه را برای افزایش همکاری‌ها با ایران افزایش داد.

برجام نه تنها ماحصل سال‌ها مذاکره میان ایران با قدرت‌های جهانی ایالات متحده، انگلستان، فرانسه، روسیه، چین و آلمان بوده است بلکه یک توافق مهم در تاریخ مناسبات میان جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا به حساب می‌آید که قابلیت تأثیرگذاری در بخش‌های مختلف روابط ایران با این اتحادیه را دارا می‌باشد (زاهدی و

امینی، ۱۳۹۵: ۳۶-۴۱). بنابراین بعد از برجام، اعضای اتحادیه اروپا گفتمان خود بر اساس دال مرکزی تمایل به افزایش همکاری‌ها با مدل‌های امنیتی، سیاسی، اقتصادی و انرژی مفصل بندی کردند. که این می‌تواند مرحله تازه ای در روابط اتحادیه اروپا و ایران به حساب آید.

در واقع ایران و اتحادیه اروپا از لحاظ تهدیدات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی اشتراکات مشابهی دارند. بنابراین برجام می‌تواند به عنوان نقطه آغاز بهبود و توسعه در روابط میان هر دو طرف به شمار آید. اتحادیه اروپا یکی از اولین برندگان توافق هسته‌ای با ایران است، زیرا وجود یک ایران قدرتمند در منطقه می‌تواند زمینه مبارزه فعال تر با گروه‌های تروریستی تهدید کننده امنیت اعضای این اتحادیه را فراهم کند.

از سوی دیگر وجود ثبات در ایران و منطقه خاورمیانه باعث جلوگیری از هجوم مهاجران و پناهندگان بی شمار به مرزهای اتحادیه اروپا می‌شود، که این خود به تنهایی معضل مهمی برای رفاه و امنیت ساکنان اتحادیه است. همچنین اتحادیه اروپا انگاره‌هایی مانند منابع نفتی و خصوصاً گاز ایران را برای رهایی یافتن از وابستگی انحصاری به گاز روسیه مهم و حیاتی دانسته و دال شناور تعلیق تحریم‌های اقتصادی را فرصتی برای بهره مندی اروپا از منابع انرژی ایران معرفی کرده است. با توجه به اینکه این توافق به تنهایی در کنار سایر منافع آن نه تنها موجب رفع خطر ایجاد بحران رقابت اتمی در منطقه خاورمیانه می‌شود، بلکه سرمایه گذاری‌های اقتصادی اروپا در منطقه را نیز حفظ می‌کند. اما باید توجه داشت، که ایران دارای دومین منابع عظیم نفتی منطقه بعد از عربستان سعودی است و بدلیل اهمیت بالای اقتصادی این منابع و تاثیرگذاری آن بر بازارهای جهانی انرژی، کشورهای طرف توافق ایران بلافاصله پس از انعقاد برجام پیشگام سرمایه گذاری در این حوزه شدند که بطور مثال می‌توان از شرکت‌های نفتی توتال فرانسه، شل انگلیس، نام برد.

اما فراتر از مسأله منابع نفتی، ایران با جمعیت ۸۰ میلیونی یکی از بزرگ‌ترین بازارهای مصرفی خاورمیانه به شمار می‌رود که زمینه فعالیت گسترده ای برای شرکت‌های اروپایی ایجاد می‌کند، که برخی از نمونه‌های مهم آن صنایع هوایی و حمل و نقل جاده ای هستند، که پیش از ایجاد رژیم تحریم‌های گسترده بین‌المللی تا حدود

زیادی در اختیار و انحصار صنایع اروپایی بودند که نمونه شاخص آن حضور فعال شرکت‌های خودرو سازی پژو و رنو در ایران است (Dempsy, 2015).

از این رو اتحادیه اروپا تمایل داشت در گفتمان خود از عناصر دیپلماسی و تعامل سازنده جهت حل بحران هسته‌ای ایران استفاده کند. چرا که از یک سو عنصر نظامی در دراز مدت مشروعیت و اقتدار اروپا را بین ملل مسلمان و افکار عمومی جهانی تحت تأثیر قرار می‌دهد و از سوی دیگر اروپا و ایران دارای منافع اقتصادی، سیاسی و امنیتی مشترک در خاورمیانه هستند. (نصری، ۱۳۸۲: ۱۸۹)

علاوه بر مدلول تروریسم عواملی از قبیل پاکستان هسته‌ای و احتمالاً عربستان مجهز به تسلیحات اتمی، بی ثباتی در عراق و افغانستان، مشکلات مصر و بهار عربی چالش‌های مشترک اروپا و ایران هستند که راه حل آن‌ها هم می‌تواند مشترک باشد. در صورتی که اروپا و ایران در مبارزه با تروریسم متحد شوند، بسیاری از معادلات عربستان و پاکستان تضعیف خواهد شد. این امر مشروط به حل مسأله هسته‌ای و رفع تحریم‌ها علیه ایران است. پرونده هسته‌ای باعث نفوذ رقبای اتحادیه اروپا، از جمله چین و روسیه در اقتصاد ایران شده است. تنش زدایی بین اروپا و ایران از نفوذ این دو کشور می‌کاهد. ایران از منظر ژئوپولیتیک و هویتی نیز برای اتحادیه اروپا اهمیت دارد. در صورت ورود ترکیه به اتحادیه اروپا، ایران با اروپا مرزهای مشترک خواهد داشت (Lasan, 2014: 57).

یکی دیگر از دال‌های مهم دیگر در گفتمان اروپا، حقوق بشر است و اروپا در پی جلب همکاری تهران با سازوکارهای سازمان ملل در زمینه حقوق بشر است (Tzogopoulos, 2004: 49-50). چرا که از نظر اروپائیان ثبات سیاسی ایران وابسته به مفهوم حقوق بشر، عدم حمایت از تروریسم و تعامل در برنامه هسته‌ای است و امنیت بخش مهمی از خاورمیانه در گرو ثبات این کشور است. در نتیجه تأمین امنیت اروپا از طریق تعامل با ایران و جلوگیری از هسته‌ای شدن آن امکان پذیر است (مروتی و یزدانی، ۱۳۹۳: ۴۱).

در حقیقت اتحادیه اروپا در مسئله قرار دادن نام ایران در محور شرارت، آمریکا را همراهی نکرد. آنچه برای اروپا مطرح است، مخالفت با یکه تازی آمریکاست که یکی از

موضوعات مورد اختلاف در چند دهه گذشته بوده است. تردیدی نیست که تفاوت‌هایی میان دیدگاه‌های اروپا و آمریکا وجود دارد (سجادپور و اجتهادی، ۱۳۸۹: ۴۶).

اروپاییان بر این باور هستند که ایران هسته‌ای تمام معادلات فرامنطقه‌ای آنان را برهم خواهد زد. فلذا بزرگ‌ترین دغدغه آنان نسبت به جمهوری اسلامی دست‌یابی ایران به سلاح هسته‌ای است چراکه از نظر آنان اگر ایران کنترل نشود، کشورهای همسایه نیز مجهز به تسلیحات اتمی خواهند شد (Meier, 2012: 33). هدف اتحادیه اروپا در منطقه خاورمیانه ایجاد تعادل بین بازیگران قدرتمند است که از طریق تعامل و هماهنگی با یکدیگر و نه تضاد، نظم مورد قبول اتحادیه را حفظ می‌کنند. در این میان تعامل با ایران و سیاست‌های جمهوری اسلامی در منطقه، یکی از موضوعات اصلی گفتمان سیاست خارجی اروپائیان در منطقه غرب آسیا بود. به طوری که، دال مرکزی گفتمان سیاست خارجی اروپا در خصوص ایران را می‌توان حفظ برجام و حمایت همه جانبه از آن دانست. اتحادیه اروپا در پی این است که با اتکا بر دال مرکزی خود، نظام معنایی مطلوب خویش را تثبیت کند.

به عبارت دیگر گفتمان اتحادیه اروپا حول دال مرکزی حفظ برجام و با مفصل بندی دال‌های شناوری مانند توافق هسته‌ای ای و تعلیق تحریم‌های اقتصادی، منابع نفت و گاز و سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی ایران، جلوگیری از هجوم مهاجران و پناهندگان و ایجاد رفاه و امنیت ساکنان اتحادیه، حقوق بشر، عدم حمایت از تروریسم شکل گرفت.

از این رو بعد از به چالش کشیدن برجام از سوی ریاست جمهوری جدید آمریکا دونالد ترامپ، فدریکا موگرینی، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا که خود در کانون مذاکرات هسته‌ای قرار داشت، به دفاع از این توافق برخاست و متذکر شد که پایدار ماندن برجام و اجرای آن از اولویت‌های اتحادیه اروپا است. وی هشدار داد که برجام یک توافق دوجانبه نیست بلکه توافقی چندجانبه است که شورای امنیت سازمان ملل هم بر آن صحه گذاشته است.

همزمان با صف آرایی کشورهای غربی برای مقابله با سیاست ضد برجامی ترامپ تعدادی از مقامات اروپایی نیز جداگانه درباره فرافکنی‌های ترامپ بر سر برجام موضع‌گیری کردند. از جمله فرانسوا اولاند رئیس‌جمهور وقت فرانسه معتقد بود که این توافق

به جهان تضمین نهایی می‌دهد که فقدان آن ممکن است بسیار خطرناک باشد. سخنگوی وزارت خارجه آلمان نیز معتقد بود توافق با ایران، امنیت منطقه ای و نهایتاً امنیت جهانی را تقویت می‌کند. این در حالی بود که بوریس جانسون، وزیر خارجه انگلیس هم بارها بر ضرورت اجرای برجام تأکید کرد و بر مزایای رسیدن به توافق با ایران تأکید ویژه داشت و بر این اعتقاد بود که رسیدن به توافق هسته‌ای با ایران ارزش ۱۲ سال مذاکره را داشته است (روزنامه ایران، ۱۳۹۵: ۳). بر این اساس گفتمان اروپایی در پی این است تا روابط بهتری با تهران داشته باشد. برای اتحادیه اروپا و اعضای آن توافق هسته‌ای و تعهد به مفاد آن قطعاً مهم است و تمام کشورهای عضو این اتحادیه خود را ملزم به اجرا و تبعیت از آن می‌دانند. لذا برای حفظ آن و ماندن ایران در چارچوب برجام علی‌رغم خروج آمریکا و بازگرداندن تحریم‌های یکجانبه، اروپایی‌ها درصدد ارائه یک سازوکار مالی ویژه در روابط خود با ایران معروف به SPV^۱ برآمدند با این روکرد که بتوانند مانع تأثیر تحریم‌ها بر تعاملات تجاری و مالی اروپایی‌ها با ایران شوند (Batmanghelidj and Hellman, 2018: 1).

گفتمان آمریکایی تغییر برجام با ابزار خروج

ایران و آمریکا، بیش از سه دهه گرفتار نوعی بی‌اعتمادی مستمر و فراگیر بوده‌اند و اقدامات دو طرف نیز همواره مزید بر علت بوده است. تحلیل گران معتقدند بی‌اعتمادی مهم‌ترین دلیل بروز بحران هسته‌ای ایران بوده است. به بیانی دیگر امروز ایالات متحده ایران را قدرت تهدید آمیز منطقه معرفی می‌کند. به باور استفان والت امنیت بیش از آنکه در برابر قدرت مطرح شود، در برابر تهدید شکل می‌گیرد. وی معتقد است تهدید و نه قدرت در عمق نگرانی‌های امنیتی دولت‌ها قرار دارد و لذا دولت‌ها لزوماً از قدرتمندترین دولت نمی‌ترسند، بلکه از دولتی می‌ترسند که بیش از سایر دولت‌ها تهدیدآمیز جلوه کند (Walt, 1987: x). این ادعا زمانی اهمیت پیدا می‌کند که غرب پیش از گفتمان انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ همکاری هسته‌ای نسبتاً گسترده‌ای با ایران داشت، اما هرگز نگرانی آنان از فعالیت‌های هسته‌ای ایران منجر به بروز بحران در

1. Special Purpose Vehicle

روابط دو طرف نشد (قهرمانپور، ۱۳۹۵: ۲۱). لذا در دوره ریاست جمهوری روحانی سیاست خارجی مصالحه جویانه تری اعمال شد که توجیه آن عمدتاً بخاطر حل مسالمت آمیز بحران هسته‌ای و برداشته شدن تحریم‌های مرتبط با موضوع هسته‌ای بود. بنابراین در تهران، توافق هسته‌ای به معیار قضاوت در مورد اعتماد یا عدم اعتماد به غرب بویژه آمریکا تبدیل شده است.

از این رو بعد از گذشت سالهای طولانی بی اعتمادی، دولت اوباما هم زمان با اعمال شدیدترین تحریم‌های دوجانبه و چندجانبه بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران به مهم‌ترین توافق بین‌المللی هسته‌ای با ایران دست یافت. اما دولت ترامپ این توافق را بدترین توافقی نامید که تا کنون صورت گرفته است.

در واقع بلوک غرب که در هفت دهه گذشته از انسجام نسبی برخوردار بوده و آمریکا در رأس آن قرار داشت گفتمان خود را بر اساس انگاره‌هایی همچون آزادی‌های سیاسی و اجتماعی نظام‌های دموکراتیک، اقتصاد و تجارت آزاد و جهانی شدن مفصل بندی کرده بود. به طوری که آمریکا سالهای سال مدعی بسط و گسترش آن‌ها در جهان بوده و آن‌ها را برای تأمین امنیت ملی خود و صلح و امنیت جهان ضروری می‌دانست. این در حالی است که گفتمان کنونی ترامپ تمایلی به این دال‌ها و انگاره‌ها ندارد. این گفتمان جدید نظم آمریکایی را نه تنها در داخل بلکه در عرصه بین‌المللی به هم ریخته است. ترامپ مواضع و سیاست‌های نامنسجم غیرواقع بینانه و خطرناکی را در سیاست داخلی و خارجی در پیش گرفته است که می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای در هر دو سطح و در نتیجه نظام بین‌الملل برجای گذارد. به عبارت دیگر نگاه گفتمان ترامپ به قواعد و ارزش‌های بین‌المللی بسیار متفاوت از گفتمان دولت اوباما و حتی دولت‌های جمهوری خواه سابق آمریکاست. گفتمان ترامپ با رویکرد عمل‌گرایانه، متحدین غربی را نادیده گرفته است.

اگر سیاست‌های ترامپ کنترل نشود و ارکان دیگر قدرت نتوانند جلوی سیاست‌های او را بگیرند ترامپ بزرگ‌ترین ضربه را به عصر آمریکایی خواهد زد و جهان شاهد افول قدرت آمریکا خواهد بود. ترامپ در داخل آمریکا با همه ساختارهای رسمی و غیررسمی قدرت درافتاده است (یزدان فام، ۱۳۵۹: ۱۵۴-۱۵۷).

ترامپ مقابله با نیروهای نظامی ایران در خلیج فارس و تشدید فشار بر ایران به منظور عقب‌نشینی از سیاست‌های منطقه‌ای را جزء سیاست‌های اصلی خود برشمرده است. وی در کمپین‌های انتخاباتی خود بارها با انتقاد از باراک اوباما گفته بود که سیاست‌های او باعث قدرت‌یابی ایران در منطقه و تهدیدزایی این کشور برای آمریکا شده است. وی معتقد است که دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای و حتی فناوری غنی‌سازی می‌تواند سایر کشورهای منطقه و مخصوصاً رقبای منطقه‌ای ایران نظیر عربستان و ترکیه را به ادامه مسیر مشابهی تشویق کند (قهرمانپور، ۱۳۹۵: ۲۲).

در حقیقت مقابله با ایران و سیاست‌های جمهوری اسلامی در منطقه، یکی از موضوعات اصلی سیاست خارجی ترامپ در منطقه غرب آسیا است. به طوری که، دال مرکزی گفت‌وگو سیاست خارجی آمریکا در خصوص ایران را می‌توان تغییر برجام و مقابله با توافق هسته‌ای ایران دانست. ترامپ با اتکا بر دال مرکزی خود در پی این است که مدل‌های مد نظر خود را به دال‌های گفت‌وگو نزدیک کند یا به عبارت دیگر، نظام معنایی مطلوب خویش را در ذهنیت جمعی اجتماع، هرچند به‌طور موقت تثبیت کند و آن گفت‌وگو را هژمونیک کند.

ترامپ توافق هسته‌ای ایران را چالشی برای آمریکا و متحدانش دانست و انتقادات شدیدی به دستگاه دیپلماسی آمریکا در خصوص توافق‌نامه هسته‌ای با ایران وارد کرد. به طوری که در این خصوص در مصاحبه‌اش با نیویورک تایمز گفت: "ما در این توافق میلیارد‌ها دلار پول به ایرانیان دادیم که نباید می‌دادیم (Vatanka, July 2016).

با این حال، ترامپ بعد از پیروزی در انتخابات اعلام کرد که به عنوان یک قرارداد بد، در برابر این قرارداد بسیار سرسخت خواهد بود. ترامپ و تیم مشاوران سیاست خارجی وی در خصوص برجام، موضوع مذاکره مجدد با ایران برای تصحیح این توافق را مطرح کردند. او در این زمینه مدعی شد که با دو یا سه برابر کردن تحریم‌های فعلی آمریکا، ایران را مجبور خواهد کرد پای میز مذاکره برگردد.

در حقیقت به چالش کشیدن برجام گرچه کار را از نظر دیپلماسی برای جمهوری اسلامی ایران سخت می‌کند اما در بلندمدت به دلیل اینکه نشان‌دهنده انتخاب سیاست واگرایی با اروپا توسط ترامپ محسوب می‌شود، موجب شکاف در بلوک غرب می‌شود

که این امر فرصت‌های بالقوه‌ای را برای ایران به دنبال خواهد داشت. علاوه بر این، به چالش کشیدن برجام توسط دولت آمریکا، با توجه به رعایت تمام تعهدات توسط ایران، باعث می‌شود تا آمریکا به عنوان کشوری غیرقابل اعتماد و بی‌تعهد به پیمان‌های بین‌المللی معرفی شود و تحت این شرایط، این کشور نمی‌تواند همانند گذشته میدان‌دار اقدام کامل علیه ایران شود. هر چند که جمهوری اسلامی ایران در چارچوب قانون اقدامات متناسب و متقابل در اجرای برجام، با توجه به موارد نقض این قانون از سوی کشورهای غربی خصوصاً آمریکا، می‌تواند اقدامات مقتضی را در این زمینه اتخاذ کند و از حجم تعهدات خودش خصوصاً در زمینه میزان غنی‌سازی اورانیوم یا نصب تعداد سانتریفیوژها، بکاهد. در این صورت باز هم کشور آمریکا به عنوان شروع‌کننده نقض برجام و چالش‌آفرین در اجرای یک تعهد مهم بین‌المللی معرفی خواهد شد (یزدان فام، ۱۳۹۵: ۱۵۶).

تأثیر بعدی اقدام ترامپ در تخریب برجام را باید در روابط ایران با قدرت‌های بلوک شرق همچون روسیه و چین و هند مشاهده کرد. بر این اساس، جهت یابی ژئوپولیتیک ایران بطور قابل موفری به سمت توسعه گسترده همکاری‌های تجاری-امنیتی - سیاسی و بین‌المللی با قدرت‌های بلوک شرق خواهد بود. نکته دیگر این که گفتمان جدید آمریکا در قبال ایران و خروج این کشور از برجام، ایران و جهان را به شرایط قبل از اجماع جهانی علیه ایران باز نخواهد گرداند.

گفتمان آمریکایی تغییر برجام در مقابل گفتمان اروپایی حفظ برجام

خروج آمریکا از برجام نه تنها تأیید کننده سیاست‌های ضد توافق‌های بین‌المللی و حمایت گرایانه ترامپ بلکه نشان دهنده دو نگاه متفاوت متحدان فرآتلانتیکی به موضوعات از جمله برجام است. اکنون که ترامپ خروج آمریکا از برجام را اعلام کرده است برای رسیدن به نتیجه مطلوب خود مبنی بر تغییر برجام تلاش می‌کند و با فشار به اروپایی‌ها، گفتمان آن‌ها مبنی بر حفظ برجام را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد تا آن را به طرف تغییر و اصلاح یا حتی خروج سوق دهد وضعیتی که از تقابل جدی گفتمان‌ها حکایت دارد. در واقع گفتمان اروپا در تلاش است تا ضمن نجات برجام، روابط خود با

آمریکا را حفظ کند و با ارتقاء قدرت راهبردی و قابلیت نشان دادن واکنش در راستای منافع خود، به مذاکراتی مؤثر و سازنده با آمریکا درباره ایران دست یابد (Gomart, 2018).

در حقیقت خروج یک جانبه آمریکا از برجام نه تنها خطر رقابت تسلیحات هسته‌ای در خاورمیانه و حتی فراتر از آن را افزایش داده بلکه به نقض قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد و تضعیف هر گونه تلاش برای ممانعت از گسترش سلاح‌های هسته‌ای از طریق دیپلماسی چند جانبه، منجر می‌شود. دونالد ترامپ پس از خروج از برجام از امضا کنندگان این توافقنامه به ویژه اروپایی‌ها خواست برای گنجاندن محدودیت‌هایی در برنامه‌های بالیستیک ایران با تهران وارد مذاکره شوند. تمامی امضا کنندگان این توافقنامه با درخواست‌های آمریکا مخالفت کردند. زیرا علاوه بر مسائل امنیتی، مسائل اقتصادی و تجاری نیز برای آن‌ها حائز اهمیت بود. از نظر آن‌ها توافقنامه هسته‌ای ایران، مادامی که این کشور به تعهدات خود در قبال قطعنامه عمل کرده و این مسئله بارها توسط سازمان بین‌المللی انرژی اتمی تأیید شده است، هیچ دلیلی برای لغو توافقنامه و یا بازنگری در آن وجود ندارد (Abdelbari, 2018).

به دنبال آن تحریم‌های آمریکا که با عقد توافقنامه ۱۴ ژوئیه سال ۲۰۱۵ لغو شده بود، مجدد وضع شد. تمامی کسانی که با ایران وارد تجارت شده بودند، در پی وضع مجدد تحریم‌ها سه الی شش ماه فرصت دارند، همکاری‌های خود با این کشور را قطع کنند. در گذشته فقط آمریکایی‌ها از تجارت با ایران ممنوع شده بودند، اما امروز همه از تجارت با ایران منع شده‌اند. هیچ کس حق سرمایه‌گذاری در ایران را ندارد و نمی‌تواند از این کشور کالایی خریداری کرده و یا به آن کالایی بفروشد (Nicoullaud, 2018).

این تصمیم برای شرکت‌های بزرگ اروپایی که قراردادهای چندین میلیارد دلاری با ایران منعقد کرده‌اند، بسیار خطرناک است. اروپایی‌ها به جنبه‌های فرامرزی تحریم‌های آمریکا معترض بودند و اعلام کردند که به قانون سال ۱۹۹۶ متوسل خواهند شد. این قانون به شرکت‌ها و دادگاه‌های اروپایی اجازه می‌دهد که مشمول قوانین مرتبط با تحریم‌های وضع شده از سوی کشور ثالث نشوند. کمیسیون اروپا با اتخاذ تمهیداتی "بانک سرمایه‌گذاری اروپا" را متضمن سرمایه‌گذاری‌های انجام گرفته در ایران به ویژه

سرمایه گذاری شرکت‌های متوسط و کوچک معرفی کرد (Abdelbari, 2018). در واقع این بدان معنی است که اتحادیه اروپا، تمهیدات خاصی را به منظور حمایت از شرکت‌ها و سرمایه گذاری‌های تجاری اروپا به عنوان طرف معاملات تجاری با ایران، در مقابل تحریم‌های آمریکا، اتخاذ می‌کند (Gomart, 2018).

به نظر می‌رسد تحولی تاریخی در اتحادیه اروپا رخ داده است و آن این که، پس از ۳۰ سال از پایان جنگ سرد، این نخستین بار است که اتحادیه اروپا تصمیم می‌گیرد در سطح بین‌الملل، سیاستی خارج از چارچوب اروپا-آمریکا اتخاذ کند (Raffone, 2018). به طوری که کاخ الیزه از تصمیمات ترامپ در خصوص ایران و روابط تجاری اروپا با این کشور، به عنوان "آزمونی برای اثبات عظمت واقعی اروپا" یاد کرد. اما امروز اوضاع بسیار پیچیده‌تر شده است. تعداد اعضای اتحادیه اروپا دیگر ۹ و یا ۱۵ عضو نیست. اتحادیه اروپا هم اکنون ۲۸ عضو دارد و جهانی‌سازی نیز در این مدت گسترش یافته است.

از سوی دیگر، گفتمان اروپا همانطور که موضع خود را مبنی بر اتحاد در برابر آمریکا و حفظ برجام اعلام کرده و در این موضع به واقع ایستادگی می‌کند، مشکلاتی را برای گفتمان تغییر با ابزار خروج ترامپ ایجاد کرده است چراکه وی دیگر با یک کشور و یا یک نهاد و موسسه یا بانک خصوصی روبه‌رو نیست، بلکه ۲۸ کشور عضو اتحادیه اروپا با اتحاد با یکدیگر، از دارایی‌های خود دفاع خواهند کرد. گفتمان اروپا در تلاش است تا حرف خود را بگوید و راه خود را برود. حتی ممکن است بحران به وجود آمده به معنای تجدید حیات و تجسم دوباره قدرت اروپا باشد اما باید این را نیز در نظر داشت که آمریکا منافع ملی خود را دنبال می‌کند (Raffone, 2018).

دونالد ترامپ در حال فهماندن این واقعیت به اروپایی‌ها است که دنباله روی همیشگی اروپاییان از متحد دیرینه خود و نبودن اتحاد در بین کشورهای اروپایی بیش از آن که سودمند باشد، برای منافع جمعی اروپایی‌ها زیانبار است. توافقنامه هسته‌ای ایران، تجارت بین اروپا و آمریکا و همچنین ماجرای‌های دیگری از جمله مناقشه‌های عراق و سوریه و یا ماجرای روسیه و بحران اوکراین در سال ۲۰۱۴ نشان می‌دهند که آمریکا

گفتمان خود کمتر به منافع و نظرات متحدان اروپایی خود توجه می‌کند (Abdelbari, 2018).

لازم به ذکر است با اینکه اروپا و آمریکا در قالب موضوعاتی چون محدود ساختن برنامه موشکی ایران، برد این موشک‌ها و جلوگیری از تکثیر آن و همچنین نفوذ ایران در کانون‌های بحران در خاورمیانه همچون سوریه، یمن، فلسطین و عراق اشتراک نظر دارند (Hicks & Dalton, 2017). به گونه ای که اروپایی ضمن تلاش برای حفظ برجام اعلام کرده‌اند که برنامه موشکی جمهوری اسلامی ایران و فعالیت‌های مرتبط با آن را بر نمی‌تابند. وضعیتی که آمریکا درصدد است حالا که نتوانسته اروپایی‌ها را در خروج از برجام با خود همراه سازد به اعمال تحریم علیه ایران به دلیل تقویت برنامه موشکی ترغیب کند (Lee, 2018) تا بتدریج آن‌ها را در حوزه‌های دیگر از جمله برجام با خود همراه کند. در واقع، این شرایط، تا اندازه‌ای هم محک زدن قابلیت‌های اروپا برای دفاع از اعتبار و منافع استراتژیک خود است. اروپایی‌ها درصددند از خروج یک جانبه ترامپ از برجام، به نفع خود استفاده کنند. همچنین ایالات متحده را نمی‌توان در وجود دونالد ترامپ، خلاصه کرد. از اینرو، اتحادیه اروپا با نجات توافقنامه برجام می‌تواند، آمریکا را به انتخاب راه حل دیپلماتیک در قبال برنامه هسته‌ای ایران، متقاعد کند.

نتیجه‌گیری

پس از چندین سال مذاکرات پی در پی تیم مذاکره کننده ایرانی با ۱+۵ که در واقع باید آن را مذاکرات محمد جواد ظریف و جان کری بنامیم، توافقی تحت عنوان "برجام" حاصل شد. این توافق که نتیجه ۱۲ سال مذاکره است برای اروپا بسیار ارزشمند است. برجام اولین توافق بزرگ ایران و اروپا است که شانس تحول مهم در روابط اقتصادی را کلید زده ضمن اینکه ظرفیت روابطی پایدار و همه جانبه بین ایران و اروپا را ایجاد کرده است. این در حالی است که با روی کار آمدن دونالد ترامپ، رئیس جمهوری جدید ایالات متحده آمریکا برای نخستین بار در دهه گذشته دولت‌های اروپایی با آمریکا بر سر ایران دچار اختلاف نظر شدند و در این راستا دو گفتمان متناقض حفظ برجام و تغییر برجام را دنبال کردند. به طور کلی در این پژوهش تناقضات عمده دو گفتمان اروپایی و

آمریکایی در قبال برجام در دوره دونالد ترامپ با استفاده از روش تحلیل گفتمان ارنستو لاکلا و شنتال موفه مورد بررسی قرار گرفت.

در حقیقت گفتمان ترامپ برجام را یکی از بدترین توافقاتی دانست که ایالات متحده در تاریخ خود منعقد کرده است. با این ادعا ترامپ زلزله‌ای سنگین بر پیکره توافق هسته‌ای وارد کرد. وی ادعا کرد که تهران به روح برجام پایبند نبوده است و خطر استراتژیک مرگ آوری که که او با ما در پیش گرفت به حکومت ایران فرصت تحرک در منطقه را داده است و همچنین به آن اجازه داد که با حمایت از توافق هسته‌ای نفوذ خود را در منطقه گسترش دهد. وی دال مرکزی گفتمان خود را در مخالفت با برجام و خروج از آن اعلام کرد و در نتیجه آن قدرت‌های جهانی را در برابر چالشی بزرگ قرار داد. در این چارچوب، ضمن اعتقاد به مقابله با نفوذ منطقه‌ای ایران و برخورد با ماجراجویی‌های نظامی ایران در منطقه، خواستار بازنگری در برجام از طریق مذاکره مجدد، با توسل به فشارهای چندجانبه اقتصادی شد.

از این رو درحالی که موضوع توافق هسته‌ای به یکی از موضوعات چالش برانگیز گفتمان آمریکایی در مقابل گفتمان اروپایی بدل شد، وجه دیگر این موضوع در صف آرای کشورهای اروپایی با آنچه که ترامپ دفاع از منافع آمریکا در مقابل ایران می‌نامد آشکار شد. لیکن متحدان سنتی آمریکا در اروپا بوضوح حمایت مستحکم خود را از برجام و قصدشان را برای ادامه تعامل دیپلماتیک با ایران در برجام خصوصاً با اعلام سازوکار ویژه مالی اروپا برای ایران (SPV)، ابراز کردند. آن‌ها آشکارا در گفتمان خود تاکید کردند که توافق پابرجاست و پابرجا خواهد ماند و خروج آمریکا به شدت به اعتبار بین‌المللی این کشور ضربه زده و توانایی این کشور در معرفی خود به عنوان یک قدرت هسته‌ای و مذاکره با هر کشور دیگری را تحت تاثیر قرار خواهد داد. از سوی دیگر اگر آمریکا بتواند گفتمان رقیب اروپایی خود را به گفتمان مطلوب خود نزدیک کند به گفتمان غالب تبدیل خواهد شد در غیر اینصورت به شکل گفتمان‌های رقیب باقی خواهد ماند.

منابع

منابع فارسی:

احمدرش، رشید. (۱۳۸۸). «نگاهی به اندیشه لاکلاو و موفه: دموکراسی رادیکال»، *ماهنامه رخداد*، ۱.

اشرف نظری، علی و سازمند، بهاره (۱۳۸۷). *گفتمان و هویت انقلاب اسلامی ایران*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

آقاحسینی، علیرضا. (۱۳۸۶). «شالوده شکنی منطق درونی سیاست بی طرفی ایرانی در جنگ جهانی دوم»، *فصل نامه تاریخ روابط خارجی*، مرکز اسناد و خدمات پژوهشی وزارت امور خارجه، ۷ (۲۹).

آقاحسینی، علیرضا و بیری گنبد، سکینه. (۱۳۸۷). «بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۷ از منظر تحلیل گفتمان»، *فصل نامه تاریخ روابط خارجی*، ۳۴.

بیل، جیمز. (۱۳۷۱). *عقاب و شیر*، جلد اول و دوم، تهران: شهر آشوب.

پوستین چی، زهره (۱۳۸۳). «تحول در فرآیندهای صلح خاورمیانه و گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده علوم سیاسی.

تاجیک، محمدرضا. (۱۳۸۳). *سیاست خارجی، عرصه فقدان تصمیم و تدبیر؟*، تهران: فرهنگ گفتمان.

تاجیک، محمدرضا. (۱۳۸۳). *گفتمان و پادگفتمان و سیاست*، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.

توحیدفام، مجمد و صالحی، اکرم. (۱۳۸۹). «گفتمان‌های متناظر سیاست خارجی اصلاحات جمهوری اسلامی ایران و نومحافظه‌کاران آمریکا»، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده علوم سیاسی.

توکلی دخرآباد، جواد. (۱۳۸۵). «بررسی علل مخالفت آمریکا با دستیابی ایران به تکنولوژی غنی‌سازی اورانیوم»، پایان‌نامه دوره کارشناسی‌ارشد رشته روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده علوم سیاسی.

خالوزاده، سعید و افضل‌ی، توحید. (۱۳۹۰). *رویکردهای اتحادیه اروپا در قبال اروپا*، کتاب اروپا (۱۰)، گردآوری و تدوین بهزاد احمدی لفورکی، تهران: موسسه ابرار معاصر تهران.

خالوزاده، سعید. (۱۳۹۱). «دیپلماسی تحریم اتحادیه اروپا در برابر برنامه هسته‌ای ایران»، *پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل*، (۱)۱.

خبیری، کابک. (۱۳۸۱). *حوادث اخیر آمریکا و جمهوری اسلامی ایران*، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات استراتژیک ایران.

خوشروزاده، جعفر. (۱۳۸۵). *فوکو و انقلاب اسلامی: رهیافتی پسامدرنیستی از منظر تحلیل گفتمان*، نشریه حزب‌الله.

دهشیری، محمدرضا. (۱۳۸۰). «چرخه آرمانگرایی و واقع‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه سیاست خارجی*، (۲)۱۵.

دهقانی فیروزآبادی، سید جلال. (۱۳۹۱). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، چاپ چهارم، تهران: انتشارات سمت.

رحمانی، علی و تائب، سعید. (۱۳۷۵). *گفتگوهای ایران و اروپا*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

رحمن قهرمانپور. (۱۳۹۵). *سیاست خارجی و دیپلماسی هسته‌ای ایران از تقابل تا اعتمادسازی*، تهران: تیسرا.

رضانی، روح‌الله. (۱۳۸۳). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی.

روزنامه ایران. (۱۳۹۵). سال بیست و دوم شماره ۶۳۸۳ پنجشنبه ۲۵ آذر، برجام کانون شکاف اختلاف اروپا و ترامپ

زاهدی، نسا و امینی، سعید. (۱۳۹۵). «تأثیربرجام بر همکاری‌های امنیتی اتحادیه اروپا و ایران»، ۴۱، *فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی*، ۶ (۲۰).

سجادپور، سید محمدکاظم و اجتهادی، سعیده. (۱۳۸۹). «نگرش امنیتی غرب و تهدیدات بین‌المللی پس از جنگ سرد؛ مطالعه موردی برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران»، *دانش سیاسی*، ۶ (۱).

سلطانی، سیدعلی‌اصغر. (۱۳۸۳). «تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش»، *فصلنامه علوم سیاسی*، ۷ (۲۸).

سنائی، اردشیر. (۱۳۸۲). «تنش زدایی در روابط خارجی ایران و اتحادیه اروپا»، *فصلنامه برداشت دوم*، ۱ (۳).

صالحی، اکرم. (۱۳۸۸). «عمده عوامل تعیین‌کننده اختلافات بین گفتمان‌های سیاست خارجی اصلاحات در جمهوری اسلامی ایران و نومحافظه‌کاران در آمریکا»، پایان‌نامه دوره کارشناسی‌ارشد رشته روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده علوم سیاسی.

علیخانی، حسین. (۱۳۸۰). *تحریم ایران، شکست یک سیاست*، ترجمه محمد متقی نژاد، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

قائم پناه، صمد، دشتی، رمزانی، منیر. (۱۳۹۵). «نقش برجام در توسعه روابط اتحادیه اروپا و ایران»، ۱۲۸، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی*، ۷ (۲۷).

کتاب اروپا (۲): ویژه روابط ایران و اتحادیه اروپا (۱۳۸۲). تهران: موسسه ابرار معاصر تهران.

کریمی‌جونئی، نادر. (۱۳۶۰). *آیا بهتر نیست این استخوان لای زخم بماند؟ رابطه ایران و آمریکا*، نشریه گزارش.

گلشن پژوه، محمود رضا. (۱۳۹۰). «حقوق بشر و جایگاه آن در سیاست اتحادیه اروپا در قبال ایران»، کتاب اروپا (۱۰)، گردآوری و تدوین: بهزاد احمدی لفورکی، تهران: موسسه ابرار معاصر تهران.

متقی، ابراهیم. (۱۳۷۸). «سیاست خارجی آمریکا و روابط ایران با ایالات متحده»، *نشریه کتاب ماه (علوم اجتماعی)*، ۱۷.

مروتی، لیلا و یزدانی، عنایت‌الله. (۱۳۹۳). «تیین تأثیر برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران بر روابط متقابل این کشور و اتحادیه اروپا»، *فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی*، ۲۰.

موسویان، سید حسین. (۱۳۹۵). *تأثیرات خروج ترامپ از برجام، ایرنا* نصری، قدیر. (۱۳۸۲). «منابع نفتی خاورمیانه، دشواری‌های تبدیل ثروت به قدرت»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، ۱۰(۳۵).

نوازنی، بهرام (۱۳۸۱). *گاه شمار سیاست خارجی ایران-از مردادماه ۱۳۶۷ تا خرداد ماه ۱۳۸۰*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

هوراث، دیوید. (۱۳۷۷). «نظریه گفتمان»، ترجمه سیدعلی اصغر سلطانی، *فصلنامه علوم سیاسی*، شماره ۲: ۱۶۳.

واعظی، حسن. (۱۳۷۹). *ایران و آمریکا: بررسی سیاست‌های آمریکا در ایران*، تهران: نشر سروش.

یزدان فام، محمود. (۱۳۹۵). «سیاست خارجی ترامپ و جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۱۹(۴).

منابع لاتین:

- Brzezinski, Zbigniew, Gates, M. (2004). "The Time of New Attitude to Iran", Council of foreign relations in the America.
- Ehteshami, Anoshiravan. (1995). "After Khomeini: The Iranian", Second Republic, London, Rutledge.
- EU Presidency. (2009). "Statement Concerning the Iranian Presidential Elections", Jun 15.
- Hicks, K. H., Dalton, M. G. (eds) (2017). *Deterring Iran After the Nuclear Deal*, Washington DC: Center for Strategic and International Studies (CSIS).
- Halliday, T. Fred (1994). "An Elusive Normalization: Western Europe and The Iranian Revolution", *Middle East Journal*, vol.48, no.2.
- Henrik, Lersen (1997). "Foreign Policy and Discourse Analysis", London, routledge.
- Herzig, Edmund, (2004). "Regionalism, Iran and Central Asia", *International Affairs*, may, Vol 180, No 3.

- Howarth, David, (2000). "Discourse, Open University", press.
- Hunter, Shirin, (1991). *Iran and the World: Continuity in a Revolutionary Decade*, Bloomington, and Indiana University Press.
- Lasan, Nicoleta, (2014). "European Union Intervention in the Iranian Crisis A Sociological Institutional Perspective", *Romanian Journal of European Affairs*, Vol. 14, No.1.
- Loclou, E and Mouffe, C, (1985). "Hegemony and Socialists Strategy; towards a Radical Democratic Politics", London, verso.
- M, Barret, (1991). "Ideology, Politics, Hegemony: From Gramsci To Laclau And Mofte. The Politics of Truth", From Marx to Foucault, Cambridge: polity press.
- Meier, O., (2012). "European efforts to control the spread of enrichment and reprocessing technologies", UNISCI Discussion Papers no. 30, October, pp. 27-43. available at
- Mogashoa, Tebogo, (2014). "Understanding Critical Discourse Analysis in Qualitative Research", *International Journal of Humanities Social Sciences and Education (IJHSSE) Volume 1, Issue 7*
- Plano, jack, (1988). "The International Relations Dictionary", California, longman.
- Perkovich, George, (2017). "Implications of the Joint Comprehensive Plan of Action", American Institute of Physics, *Washington*.
- Tzogopoulos, George, (2004). "The Evolution of US and EU Foreign Policy.
- Walt, Stephen. (1987). *The origins of alliances*. Cornell University Press.
- منابع اینترنتی:
- Abelbari, Walid, (2018). 'Iran, Gaza, commerce: l'Europe et les États-Unis au bord de la rupture', available at: <https://www.tsa-algerie.com/iran-gaza-commerce-leurope-et-les-etats-unis-au-bord-de-la-rupture/2018/may/20>.
- Batmanghelidj, Esfandyar and Hellman, Axel (2018). Mitigating US Sanction on Iran: The Case for a Humanitarian Special Purpose Vehicle, European Leadership Networks(ELN), available in: <https://static1.squarespace.com/static/54db7b69e4b00a5e4b11038c/t>
- Dempsey, Judy, (2015), Judy Asks: Is an Iran Deal Good for Europe? Available at: <https://carnegieeurope.eu/strategieurope/59725>.
- Gomart, Thomas, (2018). 'L'Amérique ne se résume pas à Trump. L'Europe doit défendre l'Accord sur l'Iran sans couper les ponts

avec les États-Unis', available at: [https://www .ifri.org/fr/cpublications/editoriaux-de-lifri/lamerique-ne-se-resume-trump-leurope-defendre-laccord-liran-couper,2018/may.pdf](https://www.ifri.org/fr/cpublications/editoriaux-de-lifri/lamerique-ne-se-resume-trump-leurope-defendre-laccord-liran-couper,2018/may.pdf)

Lee, Matthew, (2018), US urges Europe to impose sanctions on Iran over missiles, available at: <https://news.yahoo.com/us-urges-europe-impose-sanctions-iran-over-missiles-151735347--politics.html>.

Nicoullaud, François, (2018). 'TRUMP, L'IRAN, L'EUROPE: LA RÉVOLTE DES AGNEAUX?', available at: <https://www.boulevard-exterieur.com/Trump-l-Iran-l-Europe-la-revolte-des-agneaux.html>,/2018/may/19.

Raffone, Paolo, (2018). 'For First Time Since End of Cold War EU Pursues Independent Policy' – Analyst, available at: <https://sputniknews.com/analysis/201805201064625858-eu-pursues-independent-policy/2018/5/20>.

Vatanka, Alex, (2016). 'U.S.-Iran Relations: Recommendations for the Next President' available at: http://www.mei.edu/sites/default/files/publications/PF17_Vatanka_IranUS_web.pdf

۲۴۴



فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره هشتم، شماره

اول، شماره پیاپی

بیست و هفتم

بهار ۱۳۹۷